

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قانون نانوشته قوم بختیاری

خین و چو

تألیف: پرویز صحرا شکاف

صحرا شکاف، پرویز، ۱۳۳۳-

قانون نانوشته قوم بختیاری: خین و چو/تألیف پرویز صحرا شکاف، -- اهواز: معتبر،

۱۳۸۴

۲۴۸ ص.: مصور، نمودار.

ISBN ۹۶۴-۸۷۳۵-۰۲-۶ ریال: ۲۵۰۰۰

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. ۲۴۰؛ همچنین به صورت زیر نویس.

۱. بختیاری. ۲. بختیاری--تاریخ.

۹۵۵/۹۷۶

۳ ص ۲ ب / dsr۷۲

۸۴-۱۵۹۴۶ م

کتابخانه ملی ایران



مرکز بخش: تهران خیابان انقلاب خیابان فخررازی خیابان وحید نظری

پلاک ۱۲۱ واحد ۲۴۸ تلفن ۶۶۹۵۶۰۵۶ فاکس ۶۶۹۶۸۰۰۹

نام کتاب: قانون نانوشته قوم بختیاری- خین و چو

مؤلف: پرویز صحرا شکاف

ویرایش، تصحیح و بازنویسی: شورای نویسندگان انتشارات معتبر

ناشر: انتشارات معتبر (وابسته به مؤسسه فرهنگی هنری آداب)

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۴

قیمت: ۲۵۰۰۰ ریال

چاپ و لیتوگرافی: چاپخانه شریعت قم

شمارگان: ۳۰۰۰ جلد

شابک: ۹۶۴-۸۷۳۵-۰۲-۶

بخش خوزستان: اهواز، چهارراه نادری، اول خیابان شهید سراج، قانون

کتاب تلفن ۲۲۱۱۳۶۸ فاکس ۲۲۲۵۴۹۶

فهرست

۹	دیباچه
۱۱	مقدمه مؤلف
۱۲	شرح حال مؤلف
۱۴	نژاد و تبار قوم بختیاری
۱۶	سرزمین و جغرافیای قوم بختیاری
۲۰	سازمان ایل بختیاری
۲۲	در پیرامون سازمان اجتماعی و قوانین قبیله های ایرانی
۲۴	قانون خین و چو (خون و چوب)
۲۶	در پیرامون فرهنگ
۲۹	القاب، نامگذاری در فرهنگ و ادبیات قوم بختیاری
۳۴	آموزش و پرورش قوم بختیاری
۳۹	فالنامه و تقویم در قوم بختیاری
۴۱	اصطلاحات ریاضی
۴۱	سنجش زمین (املاک)
۴۳	حماسه در ادبیات قوم بختیاری
۴۳	اشعار حماسی
۵۸	مراسم عزاداری در قوم بختیاری
۶۸	ادبیات شعری در قوم بختیاری پیرامون زندگی کوچ نشینی
۶۸	اشعار عاشقانه قوم بختیاری
۷۷	شپله

۷۷	ترانه ها و فولکلورها
۸۲	اشعار توصیفی
۸۷	سوارکاری و تیراندازی
۸۷	قیقاج
۸۸	دواق برداری
۸۸	رقص چوب
۸۸	بازی کل برد
۸۹	چوب و تل (چوب و گو)
۹۰	الختور
۹۰	شکار، نخجیرگاه در فرهنگ قوم بختیاری
۹۱	حیوانات قلمرو و سرزمین قوم بختیاری
۹۲	نقش و تأثیر شکار در فرهنگ عامه ایل و ندان قوم بختیاری
۹۲	فرهنگ آب و هوایی قوم بختیاری
۹۴	تقسیمات باران
۹۵	باران ها از نظر شدت و حالات
۹۶	فرهنگ عامه باران خواهی در قوم بختیاری
۹۸	بادهای امراضی
۹۸	انواع بادهای
۱۰۰	آداب و رسوم ازدواج در فرهنگ عامیانه قوم بختیاری
۱۰۱	مقام و منزلت زن در فرهنگ عامیانه قوم بختیاری
۱۰۳	مراسم و آداب و رسوم خواستگاری در فرهنگ بختیاری
۱۰۵	مراحل آداب و رسوم در خانه داماد
۱۰۷	موسیقی در فرهنگ بختیاری
۱۰۹	در پیرامون رقص و آواز در فرهنگ بختیاری

- ۱۱۰ در پیرامون آواز
- ۱۱۰ انواع آواز
- ۱۱۱ آئین و مذهب در بختیاری
- ۱۱۲ قوم بختیاری در تاریخ معاصر ایران زمین
- ۱۱۷ اتابکان لرستان بزرگ «قوم بختیاری فعلی»
- ۱۱۸ اقوام، قوم بختیاری و سلسله صفویه
- ۱۱۹ قوم بختیاری و افشاریان
- ۱۲۰ بختیاری ها و سران زندیه
- ۱۲۲ وقایع تاریخی بختیاری ها در عصر قاجاریه
- ۱۲۳ بختیاری ها و انگلیس ها
- ۱۲۴ قوم بختیاری و مشروطه ایران
- ۱۲۶ بختیاری ها و روس ها
- ۱۲۷ تقسیمات ایل بختیاری
- ۱۲۹ سران، خوانین طایفه محمود صالح «چهارلنگ»
- ۱۲۹ دودمان و شجره طایفه چهارلنگ محمود صالح خان
- ۱۳۰ علی مردان خان چهارلنگ محمد صالح خان
- ۱۳۱ قیام ابدال خان چهارلنگ محمود صالح خان
- ۱۳۲ الله یار خان محمود صالح
- ۱۳۴ اشعار در توصیف و وصف الله یار خان
- ۱۳۵ علی مردان خان چهارلنگ محمود صالح
- ۱۳۹ طایفه ممی وند چهارلنگ
- ۱۴۰ تخته قاپو
- ۱۴۱ قیام ابوالقاسم خان بختیاری
- ۱۴۲ قوم بختیاری و نفت

- طایفه شهنی ۱۴۲
- قرارداد شرکت بختیاری و انگلیس ۱۴۴
- سران و خوانین طایفه کینونریسی «چهارلنگ» ۱۴۴
- دودمان و شجره سران و خوانین طایفه کینونریسی ۱۴۵
- زمان خان کینونریسی ۱۴۶
- وقایع مهم خاندان کینونریسی ها ۱۴۷
- محمدتقی خان کینونریسی ۱۵۰
- سران، خوانین طایفه دورکی «هفت لنگ» ۱۵۲
- دودمان و شجره سران و خوانین طایفه دورکی «ایل هفت لنگ» ۱۵۲
- شجره سران ایلخانی ها و ایل بیگی دورکی هفت لنگ «ایل بختیاری» ۱۵۳
- کلبعلی خان دورکی «ایلخانی» هفت لنگ و اولاد او ۱۵۴
- حسینقلی خان ایلخانی ۱۵۴
- علی قلی خان «سردار اسعد» ۱۵۵
- آحمد زمان بهادر ۱۵۸
- مجید خان بختیار زاده ی طایفه اسیوند «تیره گاوبدوش» ۱۵۹
- حاج حیدر بردین اسیوند «کلانتر» ۱۶۰
- تاریخچه سران و خوانین بهداروندها ۱۶۲
- بختیاری های مقیم خراسان ۱۶۳
- اسدخان بهداروند «علاءالدین وند» ۱۶۴
- جعفرقلی خان بهداروند «علاءالدین وند» ۱۶۵
- انساب و شجره خوانین و سران علاءالدین وندها ۱۶۸
- سران و خوانین خاندان علی صالح خان بهداروند ۱۶۹
- دودمان تاریخچه مهشی مرداسی ها ۱۷۱
- تاج الدین قنبر «مهشی مرداسی» ۱۷۳

- ۱۷۴ تاریخچه و سران و خوانین طایفه بابادی
- ۱۷۵ وقایع مهم خاندان بابادی عکاشه
- ۱۸۰ چراغ خان مستوفی «احمد محمودی» عالی انور بابادی
- ۱۸۴ تاریخچه خاندان و دودمان بابادی عالی انور
- ۱۸۵ دیگر طوایف ابوالجمعی بابادی «عالی انور»
- ۱۸۶ وقایع مهم تاریخی طایفه عالی انور
- ۱۸۸ خسروخان بابادی عالی انور
- ۱۸۹ شجره و نصاب اولاد جهانگیرخان - فرامرز خان
- ۱۹۰ آحمد بابادی عالی انور و واقعه کهگیلویه
- ۱۹۳ واقعه قلعه فارسون
- ۱۹۴ دو طایفه میر کاند و آرپناهی
- ۱۹۵ خلاصه وقایع مهم و حماسی ایل جلیل بختیاری
- ۱۹۷ واقعه نبرد علی مرادخان، تاج میرخان ذلقی چهارلنگ
- ۱۹۹ واقعه سرآستون و زیر آستون
- ۲۰۱ واقعه کشته شدن صیدال بیک چنگایی و همراهان
- ۲۰۴ واقعه کشته شدن محمودخان «فقیرکش» معروف به جنگ چلچله
- ۲۰۵ اشعار در وصف و توصیف محمودخان
- ۲۰۶ واقعه کشته شدن آعلی داد خدرشوخ «زراسوند دورکی»
- ۲۱۲ واقعه شکرالله خان مگوی «چهارلنگ»
- ۲۱۴ شجره خاندان خوانین و سران طایفه موگوی «چهارلنگ»
- ۲۱۵ واقعه تاریخی حماسی جنگ ابوالقاسم «امیر مفخم»
- ۲۱۸ واقعه جنگ منار
- ۲۲۱ واقعه جنگ لبد
- ۲۲۲ جنگ نه هزار

۲۲۴	واقعه جنگ دره راز
۲۲۷	واقعه جنگ شنستون
۲۲۸	واقعه جنگ سرخون، دو پلان مقارن با مرگ محمد خان قاجاریه
۲۲۹	واقعه جنگ کنگچی
۲۳۰	اشعار جنگ کنگچی در بیان و توصیف این واقعه تاریخی
۲۳۱	واقعه جنگ تاریخی بختیاری و طایفه عرب بنی ابدال خان
۲۳۱	اعلی الله مقاله
۲۳۴	سرگذشت ایل وند بختیاری و ساواک
۲۴۰	منابع
۲۴۱	تصاویر

بسم الله الرحمن الرحيم

دیباچه:

ستایش مر یزدان کیهان دار را که عالم وجود از پرده‌ی غیب به عرصه‌ی شهود آورد و عقول و افکار و محامد به ساحت قدسیش راهی نه و طایر او هام را در فضای بی‌منتهای او در هر کور و دوری از اکوار و ادوار مظهری از انسان در این کره‌ی خاکی برای هدایت هیأت اجتماعی برانگیخت و از نورانیت آن وجود مقدس عالم را منور و مَهتدی فرمود. جَلْ ذکره الاعظم و درود بر رسول و نذیر پیامبران محمد مصطفی (ص) و علی الائمه اطهار ارواح العالمین لَهُمُ الْفداء.

این کتاب را به روح پر فتوح امام راحل، رهبر عظیم‌الشأن خمینی کبیر قدس سره الشریف تقدیم نموده همراه با ایل بسختیاری با مهر آنها پیوند می‌زنم. رهبر عظیم‌الشأنی که در این برهه‌ی زمانی به زیب عدل و زینت احسان او مستضعفان جهان امنیت یافته و سپاهی که از فرماندهی او به اوامر و نواهی عالیہ آرایش گرفته و خیر و سلامت پای در دامن امن او استقامت کشیده و حزب شر و ظلال سر به گریبان عزلت و بطالت فرو برده، ابواب جور و حیف به مسمار^(۱) انصاف و انتصاب او بسته، و اسباب رفاهیت کشور اسلامی ایران به یمن وفاق و حسن اشقاق^(۲) او دست در هم داده، انحاء ولایات به لطف اعتبار و استعمار او معمور و مسلوک شده و اصقاع^(۳) و ارباع^(۴) مملکت که از تعدی قَطَاع الطريق و تغلب او بپاش و دزدان از آبادی مهجور و مدروس^(۵) مانده بود، به قوَت حراست و شوکت سیاست او مأهول^(۶) و مسکون گشته، و به لطف

۱- آنچه بدان چیزی را استوار کنند.

۴- چهار گوشه

۲- کم کردن: شفقت و مهربانی

۵- محو شده

۳- ناحیه‌ها، بخش

۶- مکانی که در آن اهل باشند

استمالت او به صوب جاده استقامت متفق و مؤتلف^(۷) گشته و عواطف لطفش سایه بر سر متظلمان افکنده و عواطف قهرش درخت ظلم را از بیخ برکنده. و تا بر بساط حکمرانی به استقلال تمکن یافت و بر تصرفات قبض و بسط فرماندهی قادر شد، روزگار شریف به تعظیم او امر حق مصروف داشت، و اوقات همایون بر تفخیم^(۸) قدر علما و توقیر^(۹) نفس صلحاء مقصور داشت.

آنکه بر لوح دل پاکش بتابید از ازل
اولین سطری ز تلقینش سعادت ابجد است
آنکه در اقلیم مردی و جهان مردمی
هر کجا ملکی است دست جود او صاحب ید است
و آنکه دایم آستان درگه او قبله دار
ز ایران کعبه‌ی مقصود دین را مقصد است
آفتاب حشمت و بحر سخا و کوه علم
سایه یزدان خمینی رهبر صاحب ید است

در پایان از برادر مرحوم «هرمز طاهری نیا» که عمری را در جهت خدمت به ایل و ندان گذراند و آثار عمرانی بسیاری اعم از احداث جاده در کوهستان‌های صعب‌العبور، مهار چشمه‌های آب، احداث پل و فعالیت‌های فرهنگی بی‌شماری به عنوان «صالحات باقیات» از خود به یادگار گذاشت و مکرراً بنده را به جمع‌آوری آثار فرهنگی تشویق می‌فرمود تقدیر می‌نمایم. امیدوارم روح آن مرحوم قرین شادی بوده و با ارواح طیبه ائمه هدی (ع) محشور باشد.

۷- مجتمع گشته

۸- بزرگ داشتن

۹- تعظیم و احترام

مقدمه مؤلف

هر کجا گنجی است گنجی در وی است
 گنج هر ویرانه، بی گنجی کی است
 خوش حبابی پرکن از آب حیات
 جام ما این است و آن عین وی است
 (حضرت شاه نعمت الله ولی)

به من بنده خادم آمد در بدو امر به موارث فرهنگی و مقتضیات شغلی ام در امر تعلیم و تعلم در زیستگاهم سرزمین بختیاری، بنا به علاقه به تاریخ و فرهنگ تبار ایللی ام، برای شناخت فرهنگ بختیاری، این سرزمین کوهستانی که تجلی ذوق و زیبایی خود را همواره در قالب دستاوردها تشکیل داده و متناسب با موقعیت و طبیعت خویش عرضه کرده است تلاش و کنکاش نمایم. فرهنگ و اصالت بر سینه کوهها دیرگاهی است که در دیار ماندگار بختیاری پرتو افشانی می نماید.

در شرایطی که فرهنگ بیگانه با تمام توش و توان خود بر آن است تا ما را از باورها، هنجارها، اعتقادهای مذهبی و آیین های خودی تهی سازد، بنابر انگیزه نگارش این اثر مجالی برای بازیافت بخشی از تاریخ و فرهنگ به جا مانده از پیشینیان دست داد تا در این راه به دور دست بال و پر گشوده و در احیای آیین و مناسک خودی که زمینه ساز و رهگشای حرتی سره و مبتنی بر ارزش ها و باورهایمان باشد با تلاش خستگی ناپذیر گام بالیدن آغاز کنم. چرا که نگارش، ناب ترین و زیباترین تجلی فرهنگی است. تا در این زمینه ارزش های گم شده این فرهنگ را دیگر باره مطرح کند و به آن حیات گویاتری بخشد. بر اساس این پندار بر آن شدم تا پژوهش های خود را در باره تاریخ، نژاد، فرهنگ، ادب، یات، آیین ها، مذهب، دانش های عامیانه، پیمان ها،

استعمار، قیام‌ها، اقتصاد، جغرافیا، رویدادها، نساب اقوام، روش‌های گوناگون فرهنگی در گستره ایل بختیاری تعداد نمایم تا بیشتر مباحثی مورد بازشناسی واقع گردند که یا پیش از آن نگارش نشده و یا اگر اشاراتی گردیده مختصر بوده؛ مع هذا هدف اصلی پژوهش تاریخی آن است که حقایق آن طوری که هست آشکار گردد. نگارش تاریخ یک ملت و یا یک قوم و یا یک کانون، کاری بس دشوار است که در خور و توانایی هر نگارنده‌ای نیست چه بسا مورخان چیره دستی که در طول سالیان دراز توانسته‌اند گوشه‌ای از گذشته‌ی قومی، یا مردمی را به رشته تحریر در آورند. چه بسا محققین و پژوهندگان که بر اساس جهان‌بینی خاص خود پژوهش می‌نمایند. متأسفانه علیرغم ویژگی‌های جغرافیایی و تاریخی خاص هر منطقه آن طوری که باید و شاید در شناسایی و شناساندن آن کاری به عمل نیامده است. مورخین و مستشرقین هم از آنجا که با بافت اجتماعی و فرهنگی مناطق مؤانست و الفتی نداشته علاقه‌ای به روشن نمودن وضعیت مناطق از خود نشان نداده‌اند و از طرفی چون تحقیقات و تتبعات آنها در مدت اندکی صورت گرفته است. اکثراً ناقص و ناکافی است.

شرح حال مؤلف به نقل از میرزا علی مراد صیفوری (آرپناهی)

بنام آن خدا یکتای عسادل	که فرقان بر محمد کرد نازل
به آدم جان‌بداد و علم آموخت	ز امرش نیز آدم گشت غافل
حقیر، پرویز، لقب صحراشکاف است	دلم چون آینه پاک و شفاف است
سراسر شرح گویم از برایت	به نوعی که نگفتند این روایت
نسب و اصل من از اولاد طاهر	پدر فقیه نامش بود صابر
بابادی، آرپناهی ایل هفت‌لنگ	نژاد مادری، الله‌یارخان چهارلنگ
رگ و خونم، بود از بختیاری	سلحشور و دلیر و نامداری
بود نادر، میان، ترو عجم	که مانده نام نیکش یادگاری
دهم ماه اسفند الف و سیصد	علاوه سی‌وسی سال، نیز عدد
هزار و سیصد و سی و سه خوانش	گشودم چشم در این گلشن ز احد
معلم شغل و هم آموزگار است	غرض آنست زمن این یادگار است